

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

تیمورشاه تیموری

طنز

بود مردی در حماقت بی بدیل
ریشش همچون چتر دیبا مینمود
ریش او چون ریش آقای سیاف
ریش سیاف نزد او چون یشمه بود
طفل شوخی بود اما هوشیار
چشم او بر ریش آن مقبل فتاد
پیشش آمد گفت بابا السلام
بعد احوال پرسى و جویای حال
شب که میخوابی تو، ریشت در کجاست
زیر لحاف و کمپل است یا روی آن
مرد گفت تا نازمودم تا کنون
شب که وقت خواب و خوابیدن رسید
گاه ریش خود بردی در لحاف
تا شفق ان در افق آمد پدید

داشت ریش بس عریض و بس طویل
در قماش پشم یکتا مینمود
از زنخ افتاده تا در زیر ناف
ریش او در گورد رویش هاله بود
مینمودی هر طرف گشت و گذار
شوخی طفلانه اش در دل فتاد
با ادب ایستاد و بنمود احترام
گفت دارم از حضورت یک سؤال
روی سینه میشود یا در هواست
خارج از بستر بود یا توی آن
که درون رخت خواب است یا برون
بهر او وسواس و سودا شد پدید
گاه بیرونش نمودی از لفاف
آن حریف با ریش هر سو می تپید

این شبش بگذشت و شبهای دگر	مرد شبها را همیکردی سحر
خواب خوش از دیده اش بگریخته	ریش او بـ راحتش آویخته
روز دیگر دید بار دیگرش	آن پسر را بـ رفیق و یاورش
گفت هردو جنس شیطان بوده اید	بهر من آزار و جـ دادن بوده اید
ای سگان مشرکـ ان بی حیا	ریش من ریش است نی پشم و گیا
من نمیدانم کنون کـ این ریش را	تا چـ سازم مایه تشویش را
گـ بر روی لحاف بستر گسترم	میشود آزرده جسم و پیکـ رم
گـ درون لحاف روی سینه ام	گـ گسترم آزده گـ دردد سینه ام

از خـ دا خواهم شما را بی پدر

چـ ون گدایان بی پناه و دربدر

یشمه: پوست دباغی ناشده

(المان - ۲۳ جولای ۲۰۱۱)